

## چه چیزی پشت پرده سفر ماکرون به مصر است؟

در شرایطی که بحران‌های داخلی مصر رو به فزونی است و منطقه در وضعیت آشفته و پرتنش قرار دارد و با حمایت قدرت‌های استعمار بین‌المللی، سفر رئیس‌جمهور فرانسه، امانوئل ماکرون، به قاهره انجام می‌شود. سیسی نیز او را با استقبالی اغراق‌آمیز می‌پذیرد؛ استقبالی که نشان می‌دهد این دیدار فراتر از تشریفات سیاسی یا امضای توافقات اقتصادی و فرهنگی است. این سفر، به روشنی ماهیت رابطه میان نظام مصر و نظام بین‌المللی‌ای را که فرانسه یکی از ارکان سلطه و استعمار آن به‌شمار می‌رود، آشکار می‌سازد. همچنین بار دیگر تبعیت آشکار نظام مصر از غرب را نشان می‌دهد، به‌ویژه در بحبوحه بحران اقتصادی سهمگینی که این کشور را به سمت فروش دارایی‌های ملی برای استمرار حمایت سیاسی غرب از بقای رژیمش سوق داده است.

سفر ماکرون در زمانی بسیار حساس صورت گرفت؛ چراکه نوار غزه در حال حاضر شاهد نسل‌کشی بی‌رحمانه‌ای به‌دست یهودیان است و اگر ماکرون در صداقت خود جدی بود، شایسته‌تر آن بود که به غزه سفر کند یا حداقل جنایات یهودیان را آشکارا محکوم نماید؛ اما او چنین نکرد، چراکه فرانسه، همانند دیگر کشورهای استعمارگر غربی، همچنان امنیت رژیم یهود را خط قرمز می‌داند.

نگران‌کننده‌تر آن‌که این سفر در حالی انجام شد که فرانسه در حال بستن قراردادهای کلان با مصر است؛ قراردادهایی در حوزه اسلحه، انرژی، آموزش، پروژه‌های حمل‌ونقل و زیرساخت. این بدان معناست که روند تبدیل مصر به بازاری مصرفی برای کالاهای فرانسوی ادامه دارد، بی‌آنکه چیزی جز فقر و وابستگی برایش به‌جا بماند.

نظام مصر در این استقبال زیاده‌روی کرد؛ با پهن کردن فرش قرمز، رژه‌های نظامی، دیدارهای صمیمی و ستایش‌های اغراق‌آمیز از نقش تاریخی فرانسه.

این جلوه‌ها، گویای عقده حقارت حاکمان دولتی‌های سایکس‌پیکو است؛ کسانی که رضایت غرب را مایه افتخار دانسته و از خشم آن بیشتر از ترس از الله سبحانه و تعالی می‌هراسند! آن‌ها کارمندانی‌اند در لباس حاکمان کشورها که اوامر غرب را اجرا می‌کنند تا بر کرسی قدرت باقی بمانند.

اسلام هرگز روابط مبتنی بر وابستگی و خواری را نمی‌پذیرد. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» «هرگز الله سبحانه و تعالی کافران را بر مؤمنان چیره نخواهد ساخت»؛ بنابراین، از لحاظ شرعی جایز نیست که کفار استعمارگر بر سرزمین‌های مسلمانان مسلط شوند، یا اقتصاد، حاکمیت یا امنیتشان به آنان واگذار شود و یا به کسانی که علناً با دین الله دشمنی می‌ورزند، همانند ماکرون که با حجاب و نقاب در کشورش می‌جنگد، اعتماد شود. پس چگونه چنین کسی با استقبال فاتحان مواجه می‌شود؟!

تصویرسازی از این سفر به‌عنوان حرکتی در راستای «تقویت همکاری اقتصادی» یا «شتاب‌بخشی به سرمایه‌گذاری»، نوعی فریب سیاسی عمدی است؛ هدف آن پوشاندن حقیقت سلطه غرب بر سرزمین‌های ماست. فرانسه برای ایجاد فرصت‌های اقتصادی یا کمک به توسعه مسلمانان به کشورشان نمی‌آید، بلکه برای عقد قراردادهایی وارد می‌شود که به شرکت‌هایش اجازه تسلط بر منابع آنان را می‌دهد تا در نهایت سرمایه‌ها را در جهت منافع اقتصاد خود بازگرداند.

فرانسه به ما وام، کارشناسان، شرکت‌های مشاوره و پیمان‌کاری صادر می‌کند و در مقابل، بازار آزاد، مواد خام، نیروی کار ارزان و سرسپردگی سیاسی را از ما وارد می‌کند. این رابطه، شراکت میان دو طرف برابر نیست، بلکه نوعی استعمار نرم است که بر نفوذ سیاسی، تبعیت فکری و تبعیت اقتصادی استوار است.

این همکاری ظاهری، در حقیقت یک نفوذ فرهنگی و فکری نظام‌مند است؛ چراکه استعمار دیگر سربازانش را برای اشغال سرزمین‌ها نمی‌فرستد، بلکه شرکت‌ها، مؤسسات فرهنگی، نظام‌های آموزشی و پروژه‌های مشترکش را گسیل می‌دارد تا هویت امت را بازسازی کرده و دیدگاه خود نسبت به زندگی و جامعه را تحمیل کند. از راه همکاری‌های آموزشی و فرهنگی، فرانسه منظومه سکولار خود، ارزش‌های غربی‌اش را صادر می‌کند و

برنامه‌های درسی‌اش را وارد مدارس و دانشگاه‌ها می‌نماید و از مراکز پژوهشی «نوساز» حمایت می‌کند که هدفشان ضربه زدن به اصول ثابت اسلامی است.

از طریق رسانه‌های مشترک و مراکز فرهنگی، فرانسه گفتمانی نرم را منتشر می‌کند که در لفافه شعارهای «مدرنیته»، «حقوق بشر» و «دوستی» پیچیده شده است؛ درحالی‌که در خود فرانسه به زنان مسلمان حمله می‌کند، با حجاب و نقاب و مساجد به‌طور بی‌امان می‌جنگد. همچنین از رهگذر توافقات امنیتی، برای خود امکان نظارت بر زیرساخت‌های حساس، تبادل اطلاعات امنیتی و آموزش دستگاه‌های پلیسی را فراهم می‌سازد؛ امری که باعث نفوذ در ساختارهای کشور می‌شود و مصر را به نگرانی برای منافع خود تبدیل می‌کند.

چگونه می‌توان باور کرد نظامی که ادعای همدردی با غزه را دارد، ماکرونی را می‌پذیرد که هیچ‌گاه حمایت مطلق خود از رژیم یهود را پنهان نکرده است؟! فرانسه از جمله کشورهای غربی‌ای است که بیشترین جانبداری را از رژیم یهود دارد، از نخستین کشورهایی است که اعلام کرد امنیت آن خط قرمز است و تجاوزات آن را به بهانه «دفاع از خود» حمایت می‌کند. پس چگونه می‌توان به چنین کشوری اعتماد کرد؟!

پاسخ واقعی به ماکرون و تمامی حاکمان کشورهای استعمارگر، نه در استقبال از آن‌ها و بزرگداشت‌شان است و نه در امضای قراردادهای بیشتر وام و اسلحه با آنان؛ بلکه این پاسخ در موارد زیر تجلّی می‌یابد:

۱- اخراج سفرای این کشورها از سرزمین‌های مسلمانان؛ چراکه شرعاً جایز نیست به کافر استعمارگر اجازه داده شود که در سرزمین‌های مسلمانان حضور داشته باشد و یا به‌عنوان نماینده سیاسی باقی بماند تا از درون پایتخت‌ها به اعمال فشار و جهت‌دهی بپردازد.

۲- توقف تمامی پروژه‌های مشترک که به آن‌ها جای پای می‌دهد؛ چراکه این پروژه‌ها پوششی برای استعمار اقتصادی هستند، به‌ویژه در بخش‌های حمل‌ونقل، انرژی، ساخت‌وساز، آموزش و رسانه.

۳- بستن پایگاه‌های نظامی و اطلاعاتی آنان، چه رسمی باشند و چه در پوشش «آموزش مشترک» فعالیت کنند؛ چراکه هرگونه حضور نظامی بیگانه در سرزمین‌های مسلمانان، تجاوزی آشکار به‌شمار می‌رود.

۴- ریشه‌کن کردن بازوهای فکری و آموزشی آنان از مراکز فرهنگی، برنامه‌های آموزشی، برنامه‌های درسی وارداتی و سازمان‌هایی که سفارت‌خانه‌های آن‌ها با هدف تغییر اندیشه نسل مسلمان تأمین مالی می‌کنند.

۵- قطع سلطه مالی غرب، چه از طریق صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، یا مؤسسات فرانسوی با ریشه‌های استعمارگر؛ مؤسساتی که به ما وام می‌دهند با شروطی که ما را در بند وابستگی نگه می‌دارد.

۶- توقف هماهنگی‌های امنیتی و به‌اشتراک‌گذاری داده‌های حاکمیتی؛ چراکه از نظر شرعی و از نظر عقلانی جایز نیست داده‌های کشور و ارکان دولت به نهادهای بیگانه‌ای که با امت دشمنی دارند و حاکمیت آن را نقض می‌کنند، واگذار شود.

این اقدامات نمی‌تواند در سایه این رژیم‌های مزدور تحقق یابد؛ رژیم‌هایی که برای خدمت به استعمارگر غربی پدید آمده‌اند، نه برای دفاع از منافع امت. بلکه تحقق این اهداف، تنها با برپایی خلافت راشده دوم بر منهج نبوت ممکن است؛ خلافتی که دست غرب کافر را از سرزمین‌های مسلمانان، از نظر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کوتاه کند و نیروهای امت را در مسیر آزادسازی و سازندگی هدایت نماید و عزت و سلطه را به امت بازگرداند.

ما در حزب تحریر، این سیاست‌ها را افشا می‌کنیم و خطر آن‌ها را برای دین و دنیا آشکار می‌سازیم و از مردم مصر، به‌ویژه ارتش آن، دعوت می‌کنیم که همانند صحابه رضوان‌الله‌علیهم، به‌پا خیزند، میز را بر سر مزدوران و خائنان واژگون کنند و خلافت راشده‌ای بر منهج نبوت برپا دارند که کرامت را به مصر و امت بازگرداند، زمین را آزاد سازد و از مستضعفان در فلسطین و دیگر سرزمین‌های اسلامی دفاع کند.

**برگرفته از شماره ۵۴۳ جریده الرایه**